

پیش‌بینی نقش‌های جنسیتی بر اساس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار (ضمنی) در نوجوانان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۳/۳۱
مازیار باقریان^{۱*}، روانک پورمند^۲، جلیل باباپور^۳، تورج هاشمی نصرت آباد^۴
مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار (ضمنی) با نقش‌های جنسیتی و پیش‌بینی نقش‌های جنسیتی بر اساس انواع مختلف جنسیت‌زدگی در نوجوانان بود.

روش: روش پژوهش از لحاظ هدف در ردیف پژوهش‌های کاربردی و به لحاظ جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش را تمام نوجوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله‌ی شهر تبریز که در حال تحصیل در یکی از مدارس این شهر بودند، تشکیل داده‌اند. نمونه مورد از ۱۲۲ نفر نوجوان تشکیل شده است که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند. برای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از پرسشنامه نقش‌های جنسیتی توماس و رایبسون (۱۹۸۱)، مقیاس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه (گلیک و فیسک، ۱۹۹۶)، و تست تداعی ضمنی جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه (گرینوالد و همکاران، ۱۹۹۸؛ دی‌یویرالاکس و همکاران، ۲۰۱۵) استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بین جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار و ناآشکار با نقش‌های جنسیتی مردانه همبستگی مثبت ($0.1 < p$) و بین جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار و ناآشکار با نقش‌های جنسیتی زنانه همبستگی منفی وجود دارد ($0.1 < p$). همچنین تحلیل‌های رگرسیون نشان دادند، جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار و ناآشکار می‌توانند؛ نقش‌های جنسیتی زنانه ($0.1 < p$) واریانس و جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار و ناآشکار نیز می‌توانند؛ نقش‌های جنسیتی مردانه را به شکلی معنادار پیش‌بینی کنند ($0.1 < p$). علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد، متغیرهای پژوهش ۱۹/۵٪ از واریانس نقش‌های جنسیتی زنانه، و ۱۷٪ از واریانس نقش‌های جنسیتی مردانه را پیش‌بینی می‌کنند.

نتیجه‌گیری: از نگرش‌های جنسیت‌زده دوسوگرایانه مختلف می‌توان برای پیش‌بینی نقش‌های جنسیتی نوجوانان استفاده کرد.

کلمات کلیدی: نقش‌های جنسیتی؛ جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار؛ جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه ضمنی (ناآشکار)

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

نویسنده مسئول: mazyar.bagherian@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۴. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.



Predicting Gender Roles Based on Implicit and Explicit Ambivalent Sexism in Adolescents

Mazyar Bagherian^{1*}

Rounak Pourmand²

Jalil Babapour³

Touraj Hashemi⁴

Original Article

Abstract

Introduction: This study investigates the relationship between implicit and explicit ambivalent sexism with gender roles, and predicting the gender roles based on sexist attitudes of adolescents.

Method: In terms of goal and research methodology, this study was an applied and descriptive-correlational design, respectively.

The statistical population of the study consisted of all adolescents aged 12 to 18 years old in Tabriz who were studying in one of the schools of this city. The sample was chosen throughout the available sampling and consisted of 122 adolescents. In order to measure the research variables, the Thomas & Robinson (1981) Gender Roles Questionnaire, the Ambivalent Sexism Inventory Scale (Glick and Fiske, 1996), and the Implicit Association Test of Ambivalent Sexism (Greenwald, McGhee, et al., 1998; de Oliveira Laux, Ksenofontov, et al, 2015) were used. SPSS-26 was used to analyze the data.

Findings: Findings showed a positive correlation between implicit and explicit benevolent sexism with masculine gender roles ($p < .01$), and a negative correlation between explicit and implicit hostile sexism with feminine gender roles ($p < .01$). Moreover, regression analyses showed that explicit and implicit hostile sexism could predict feminine gender roles ($p < .01$), while implicit and explicit benevolent sexism could significantly predict masculine gender roles ($p < .01$). Findings are discussed in light of Iranian culture. In addition, the findings showed that the research variables predict 19.5% of the variance of feminine gender roles, and 17% of the variance of masculine gender roles.

Conclusion: Ambivalent sexist attitudes can be used to predicting gender roles in adolescents.

Key words: Gender Roles; Explicit Ambivalent Sexism; Implicit Ambivalent Sexism

1. Masters in Child and Adolescent Clinical Psychology, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

*Corresponding author; Email: mazyar.bagherian@gmail.com

2. Masters Student in Child and Adolescent Clinical Psychology, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

3. Full Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

4. Full Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

مقدمه

نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوران زندگی است. طبق نظر اریکسون، در طول نوجوانی، نوجوانان معمولاً با یک بحران روانی اجتماعی^۱ روبه‌رو می‌شوند که او آن را «هویت در برابر سردرگمی نقش»^۲ می‌نامد (برمن^۳، ۲۰۱۹). در این دوران، نوجوانان به دنبال پاسخی برای سؤال «من کیستم؟» هستند و در این فرآیند با دسته‌بندی‌ها و نقش‌های جنسیتی روبه‌رو می‌شوند. «فرضیهٔ تشدید جنسیت»^۴ (هیل و لینچ^۵، ۱۹۸۳) مطرح می‌کند که فرارسیدن نوجوانی معمولاً با تشدید جنسیت - افزایش قالبی‌سازی جنسیتی، نگرش‌ها و رفتار، و پیشروی به سمت هویت جنسیتی سنتی‌تر - همراه است (برک^۶، ۲۰۱۴). تشدید جنسیت و گرایش به نقش‌های اجتماعی سنتی و پذیرفته‌شده‌تر برای هر دو جنس، معمولاً از منابع مختلف، مانند والدین، رسانه‌ها، و همسالان ناشی می‌شوند (پرایس، لیندبرگ، و همکاران^۷، ۲۰۰۹). در یک فرهنگ معین، این نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با جنسیت، به این علت که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، شباهت زیادی به هم دارند (آرونسون، ویلسون، و همکاران^۸، ۲۰۱۶).

«نقش‌های جنسیتی»^۹ مجموعه‌ای از انتظارات رفتاری (هنجارها) برای مردان و زنان - چه کسی باید غذا بپزد، چه کسی باید ظرف‌ها را بشورد، شرکت‌ها و کشورها را اداره کند - هستند (مایرز و تونج^{۱۰}، ۲۰۱۷). برای مثال، در همه جای جهان، دختران وقت بیشتری را صرف کمک به کارهای خانه و مراقبت از سایر کودکان، و پسران وقت بیشتری را صرف بازی‌های بدون نظارت می‌کنند (سازمان ملل، ۲۰۱۰). بسیاری از افراد نقش‌های جنسیتی را به دو دستهٔ مردانه و زنانه تقسیم می‌کنند. نقش‌های جنسیتی مردانه معمولاً با پرخاشگری و تمایل به اعمال سلطه بر محیط و افراد شناخته می‌شوند. در حالی که نقش‌های جنسیتی زنانه معمولاً در قالب رابطه‌ها و انعطاف‌پذیری در آنها شناخته می‌شوند (چودرو، ۱۹۷۴). افرادی که از نگرش‌های نقش‌های جنسیتی سنتی پیروی می‌کنند از تمهیدات سنتی جنسیتی نقش‌ها، مثلاً این موارد که زنان مراقبان اصلی فرزندان و مردان نان‌آور خانه هستند، حمایت می‌کنند. افرادی که نگرش‌های نقش‌های جنسیتی برابری‌گرایانه‌تر دارند از توزیع برابر درآمد و مشارکت در کارهای خانه بین هر دو جنس حمایت می‌کنند (دیویس و گرین‌اشتاين^{۱۱}، ۲۰۰۹). نوجوانانی که تشویق می‌شوند گزینه‌های

1. *psychosocial crisis*
2. *identity versus role confusion*
3. *Berman*
4. *the gender intensification hypothesis*
5. *Hill & Lynch*
6. *Berk*
7. *Priess, Lindberg, et al.*
8. *Aronson, Wilson, et al.*
9. *gender roles*
10. *Myers & Twenge*
11. *Davis & Greenstein*

دسته‌بندی نشده‌ی جنسیتی را دنبال کنند و ارزش‌های کلیشه‌های جنسیتی را در مورد خود و جامعه زیر سؤال ببرند به احتمال بیشتری هویت دوجنسیتی^۱ (آندروژنی) را شکل می‌دهند (برک، ۲۰۱۴). تحقیقات نشان می‌دهند کودکان و نوجوانانی - به ویژه دخترها - که خود را دارای هویت دوجنسیتی می‌دانند، از لحاظ روان‌شناختی سالم‌تر هستند، عزت‌نفس بیشتری دارند، و فشار اجتماعی کمتری را روی خود احساس می‌کنند (پائولتی^۲ و دیگران، ۲۰۱۷).

تعریف نقش‌های جنسیتی توسط جامعه و نسبت دادن آنها به هر یک از جنسیت‌ها با یکی از رایج‌ترین پدیده‌های روان‌شناسی، یعنی پیش‌داوری^۳ و تصورات قالبی^۴ مرتبط است. «پیش‌داوری» به نگرشی منفی نسبت به یک فرد تلقی می‌شود که صرفاً بر پایه‌ی عضویت فرضی شخص در یک گروه معین قرار دارد و شامل مؤلفه‌های شناختی (تصورات قالبی)، عاطفی (هیجان‌ها)، و رفتاری (تبعیض)^۵ است (گرینبرگ، اشمدار، و همکاران^۶، ۲۰۱۵). پیش‌داوری نسبت به گروه‌های مختلف و در موضوعات متفاوت مشاهده می‌شود. برای مثال، تداعی سیاه‌پوست‌ها و خشونت، آسیای شرقی‌ها و مهارت‌های تحصیلی، مردان و بی‌عاطفگی، و زنان و ضعیف بودن مهارت‌های ریاضی نمونه‌هایی از آنهاست (مایرز و تونج، ۲۰۱۷).

پیش‌داوری یکی از بهترین نمونه‌های نظام نگرشی دوگانه‌ی^۷ ماست (مایرز و تونج، ۲۰۱۷؛ نوسک^۸، ۲۰۰۷). ما می‌توانیم در برابر یک موضوع، نگرش‌های آشکار و ناآشکار^۹ متفاوتی داشته باشیم (کارپنتر^{۱۰}، ۲۰۰۸). نگرش‌های ناآشکار ارتباطات خودکار مبتنی بر یادگیری‌های قبلی سیستم تجربی هستند؛ و نگرش‌های آشکار نگرش‌هایی هستند که توسط سیستم شناختی ایجاد می‌شوند و فرد به صورت هشیارانه از وجود آنها آگاه است (گرینبرگ، اشمدار، و همکاران، ۲۰۱۵). امروزه به دلیل فشارهای اجتماعی و فرهنگی موجود در مورد برابری، افراد معمولاً پیش‌داوری‌های خود را آشکارانه بروز نمی‌دهند. یکی از حوزه‌هایی که پیش‌داوری در آن به شکلی نامحسوس رخ می‌دهد جنسیت‌زدگی^{۱۱} (یا جنسیت‌گرایی) یا پیش‌داوری‌های مبتنی بر جنسیت است.

جنسیت‌زدگی مفهومی مشتمل بر پیش‌داوری، قالبی‌سازی، و تبعیض بر اساس جنسیت یا نمودهای جنسیتی است (براون، ۲۰۱۷). این پدیده شامل باورها و شناخت‌های تعمیم‌یافته درباره‌ی افراد بر پایه‌ی طبقه‌بندی یا نمودهای جنسیتی آنهاست (برای مثال، دخترها به عروسک‌ها علاقه

1. *androgynous*
2. *Pauletti*
3. *prejudice*
4. *stereotypes*
5. *discrimination*
6. *Greenberg, Schmader, et al.*
7. *dual attitude process*
8. *Nosek*
9. *implicit and explicit attitudes*
10. *Carpenter*
11. *sexism*

دارند). پیش‌داوری‌های مبتنی بر جنسیت زمانی رخ می‌دهد که افراد نگرش‌های منفی یا مثبتی نسبت به کسانی که با انتظارات قالبی شده‌ی جنسیتی آنها هم‌رنگی می‌کنند یا آنها را زیر پا می‌گذارند داشته باشند (برای مثال، فوتبال بازی کردن برای پسران - و نه دختران - خوب است). پژوهش‌های گلیک و فیسک (۱۹۹۷، ۲۰۰۱، ۲۰۱۱) نشان می‌دهند که جنسیت‌زدگی بیشتر به شکل دوسوگرایانه^۱ بروز می‌یابد که در آن «جنسیت‌زدگی خصمانه»^۲ با «جنسیت‌زدگی خیرخواهانه»^۳ ترکیب می‌شود. جنسیت‌زدگی خصمانه به شکلی واضح منفی است و به انزجار و عدم همدلی نسبت به زنان غیرسنستی‌ای اشاره دارد که به عنوان کسانی که قدرت مردان را به چالش می‌کشند ادراک می‌شوند. جنسیت‌زدگی خیرخواهانه به یک دیدگاه مثبت، اما رئیس‌مآبانه نسبت به زنان اشاره دارد که بر اساس آن زن ضعیف پنداشته می‌شوند و همواره نیازمند مراقبت و محافظت از طرف مردان هستند (دی اولیویرا لاکس، کسنفونتوف، و همکاران^۴، ۲۰۱۵).

علیرغم پیشرفت‌ها و آگاهی‌هایی که در طول دهه‌های اخیر در زمینه‌ی جنسیت‌زدگی رخ داده است، تصورات قالبی همچنان جنسیتی وجود دارند، و مانند همه‌ی انواع پیش‌داوری‌ها گروه هدف - اغلب زنان - معمولاً این تصورات قالبی را می‌پذیرند (مایرز و تونج، ۲۰۱۷). پذیرش تصورات قالبی جنسیتی در دختران نوجوانی که در مرحله‌ی انتخاب آینده‌ی شغلی و تحصیلی و شکل‌گیری هویت خود هستند می‌تواند آنها را از ورود به بسیاری از حوزه‌ها بازدارد. برای مثال، تصورات قالبی و هنجارهای جنسیتی با فعالیت جسمانی کمتر در نوجوانان دختر (اسپنسر، رهنم، و همکاران^۵، ۲۰۱۵)، مشارکت کمتر زنان در ریاضیات (هالپرن، بهیو، و همکاران^۶، ۲۰۰۷)، و حضور کمتر زنان در شغل‌های مرتبط با حوزه‌های علمی *STEM*^۷ (اسمیت، اکرم-لودهی و همکاران^۸، ۲۰۱۳) رابطه دارد. بنابراین، مطالعه‌ی پیش‌داوری‌های جنسیتی در نسل‌های نوجوان و شناسایی ریشه‌ها و متغیرهای مرتبط با آن می‌تواند به کسب درکی بهتر از این پدیده و کاهش آن منجر شود.

دستیابی به برابری جنسیتی و کاهش پیش‌داوری از چند لحاظ می‌تواند برای جوامع مفید باشد: برابری جنسیتی در اشتغال به نفع تجارت‌های مختلف و به طور کلی اقتصاد کلان است (اسمیت، اکرم-لودهی و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر این، در کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای که برابری جنسیتی در آنها کمتر مطرح است، این مسئله در موضوع‌هایی مانند حق کنترل بارداری

1. *ambivalent*

2. *hostile sexism*

3. *benevolent sexism*

4. *de oliviera laux, Ksenofontov, et al*

5. *Spencer, Rehman, et al*

6. *Halpern, Behbow, et al*

۷. به این مسئله اختصاراً حوزه‌های *STEM* گفته می‌شود که دختران و زنان کمتر به آنها ورود پیدا می‌کنند. این حوزه‌ها شامل علوم (Science)، فناوری (Technology)، مهندسی (Engineering)، ریاضیات (Mathematics) می‌شوند.

8. *Smith, Akram-Lodhi, et al*

می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد (مک دونالد، ۲۰۱۳). برداشتی که نوجوانان در مورد نقش‌های جنسیتی خود در جامعه دارند برای آینده‌ی برابری جنسیتی نقشی حیاتی دارد، زیرا نگرش‌های نوجوانان ارتباط تنگاتنگی با انتخاب‌هایی که در مورد آینده‌شان انجام می‌دهند دارد (برت و اسکات، ۲۰۰۲).

در ارتباط با اینکه آیا نقش‌های جنسیتی، مخصوصاً در نوجوان‌ها رابطه‌ای با نگرش‌های آشکار و ناآشکار جنسیت‌زده دارند ادبیات پژوهشی بسیار محدود و متناقض است. برای مثال، ینگ (۲۰۱۶) در ارزیابی تأثیر جایگاه اجتماعی بر تصورات قالبی، رفتارهای تبعیض‌آمیز، و نگرش‌های جنسیت‌زده متوجه شد که مردان در مقایسه با زنان نگرش‌های جنسیت‌زده دوسوگرایانه بیشتری دارند. او همچنین متوجه شد که نگرش‌های جنسیت‌زده بیشتر در مورد زنان به کار می‌رود تا مردان. علاوه بر این، گرینبرگ، اشمادر، و همکاران (۲۰۲۱) پیش‌بینی می‌کنند که وجود نگرش‌های سنتی به نقش‌های جنسیتی در جامعه ممکن است نوجوانان را از ورود به حوزه‌های شغلی بخصوص که از لحاظ سنتی برای جنس‌های مختلف در نظر گرفته شده است باز دارد. از طرف دیگر، گارسیا-سانچز، المندروس، و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، در ارزیابی رابطه تصورات قالبی مرتبط با جنسیت و باورهای جنسیت‌زده به ارتباط معناداری بین این سازه‌ها دست پیدا نکردند.

پژوهش‌ها (گاراایگوردوبیل و الیری،^۴ ۲۰۱۲؛ کایت و وایتلی،^۵ ۲۰۱۶) که نگرش‌های پیش‌داورانه و تصورات قالبی جنسیتی از دوران کودکی توسط منابع مختلف، از جمله رسانه‌ها، والدین، همسالان، و سیستم آموزشی القاء می‌شود. نوجوانان بزرگسالان آینده هستند و تصمیم‌هایی که در این سنین در مورد آینده‌ی خود اتخاذ خواهند کرد می‌تواند زندگی بزرگسالانه‌ی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. نگرش‌ها نقش‌های جنسیتی زیربنایی را شکل می‌دهند که افراد خودپنداره‌ی خود را بر اساس آن‌ها تعریف می‌کنند و بنابراین شناسایی عواملی که ممکن است منجر به محدودیت و عدم تمایل نوجوانان برای ورود به حوزه‌هایی شود که به آنها علاقه دارند می‌تواند برای نوجوانان، و در مقیاسی بزرگ‌تر برای جامعه، مفید باشد. یکی از عوامل بالقوه‌ای که می‌تواند منجر به این محدودیت شود پیش‌داوری‌های آشکار و ناآشکار نوجوانان نسبت به نقش‌های جنسیتی است. در نتیجه، تمرکز اصلی پژوهش بر بررسی رابطه‌ی پیش‌داوری‌های آشکار و ناآشکار دوسوگرایانه‌ی نوجوانان نسبت به زنان با انواع نقش‌های جنسیتی در آنهاست.

1. McDonald
2. Burt & Scott
3. Garcia-Sanchez, Almdendros, et al
4. Garaigordobil & Aliri
5. Kite & Whitley

روش

روش پژوهش از لحاظ هدف در ردیف پژوهش‌های کاربردی و به لحاظ جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش را تمام نوجوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله‌ی شهر تبریز که در حال تحصیل در یکی از مدارس این شهر بودند تشکیل داده‌اند. جهت انتخاب حجم نمونه از نرم‌افزار *G*power* استفاده شد. تحلیل‌های این نرم‌افزار نشان دادند که با هدف دستیابی به اندازه اثر متوسط ۰/۱۵ و توان آزمون ۰/۸۰، نمونه‌ای به اندازه‌ی ۸۲ نفر برای تحلیل رگرسیونی که دارای ۴ متغیر پیش‌بین است کافی خواهد بود. با هدف افزایش توان آزمون، ۱۲۲ نفر نوجوان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. نداشتن سابقه اختلال روانی و مشکل پزشکی و عصب‌شناختی (با پرسش در بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی) از ملاک‌های ورود به آزمون بود. برای اجرای آزمون از مراجع ذیربط مجوز گرفته شد و آزمودنی‌ها همگی با اعلام رضایت وارد فرآیند سنجش می‌شدند. آزمودنی‌ها پرسشنامه‌ها (مقیاس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه و پرسشنامه نقش‌های جنسیتی) را یا به صورت آنلاین و یا به صورت مداد و کاغذی پر می‌کردند. آزمون تداعی ضمنی نیز در رایانه انجام می‌شد. با توجه اینکه پژوهش در دوره همه‌گیری بیماری کرونا در ایران و جهان انجام شده است، پروتکل‌های بهداشتی اعلام شده توسط ستاد ملی مبارزه با کرونا در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها رعایت شده بود.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس نقش‌های جنسی نوجوانان توماس و رابینسون: توماس و رابینسون^۱ (۱۹۸۱) عبارت‌های به کار رفته در مقیاس نقش‌های جنسی بـم را با هدف استفاده از آنها در جمعیت نوجوانان اصلاح کردند. این پرسشنامه از ۶۰ عبارت تشکیل می‌شوند و به طور کلی سه دسته از ویژگی‌ها را می‌سنجد: مردانگی، زنانگی، و دوجنسیتی (آندورژنی). طراحان این آزمون ضریب آلفای کرونباخ را در دو بار اندازه‌گیری مختلف برای عبارت‌های مربوط به زنانگی ۰/۷۶ و ۰/۷۶، مردانگی ۰/۸۶ و ۰/۸۳، و عبارت‌های خنثی را ۰/۴۵ و ۰/۴۲ گزارش کردند. به منظور مقایسه پایایی، این یافته‌ها با ضرایب به دست آمده از مقیاس نقش جنسی بـم مقایسه شد و ضریب آلفای هر دو مقیاس بسیار نزدیک بودند و بنابراین نشان می‌دهد که هر دو مقیاس سازه‌های مشابهی را اندازه‌گیری می‌کنند. علاوه بر این طراحان این آزمون به همبستگی بالایی بین نمره‌های به دست آمده از این آزمون و مقیاس نقش‌های جنسی بـم دست یافتند. ضریب آلفای به دست آمده در عبارت‌های خنثی کم هستند، ولی اشاره به این نکته مهم است که نمرات به دست آمده از این مقیاس در محاسبه‌ی زنانگی، مردانگی، و دوجنسیتی دخالت داده نمی‌شوند. (توماس و رابینسون، ۱۹۸۱).

برای اندازه‌گیری پایایی مقیاس در نمونه‌های ایرانی پایلوت استادی صورت گرفت. عبارت‌های این مقیاس ابتدا به زبان فارسی ترجمه شد، و قابل‌فهم و روان بودن آنها توسط دو مترجم حرفه‌ای زبان انگلیسی و همچنین چندین نوجوانان تأیید شد. سپس پرسشنامه‌ی موردنظر به صورت آنلاین در دسترس نوجوانان قرار گرفت و با تعداد ۵۵ نفر پایلوت استادی صورت گرفت. نتایج به دست آمده با یافته‌های طراحان آزمون تا حدودی زیادی هماهنگ بود. ضریب آلفای به دست آمده برای زیرمقیاس مردانگی $0/80$ ، برای زنانگی $0/70$ و برای زیرمقیاس خنثی $0/47$ به دست آمد.

ب) مقیاس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه: به منظور اندازه‌گیری پیش‌داوری‌های آشکار دوسوگرایانه‌ی نوجوانان از مقیاس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه^۱ (گلیک و فیسک، ۱۹۹۶) استفاده شده است. این پرسشنامه به دو مؤلفه‌ی جنسیت‌زدگی‌ای اشاره دارد که همستگی مثبتی با یکدیگر دارند، ولی با این وجود جهت‌گیری‌های مختلفی از ارزیابی‌های موجود در مورد زنان را اندازه‌گیری می‌کنند: جنسیت‌زدگی خیرخواهانه و جنسیت‌زدگی خصمانه. این پرسشنامه از ۲۲ گویه تشکیل شده است. هر کدام از زیرمقیاس‌های خصمانه و خیرخواهانه از ۱۱ گویه تشکیل شده است و نمره‌گذاری برخی از گویه‌های آن به صورت برعکس انجام می‌پذیرد. در تحقیقات گلیک و فیسک مقدار اعتبار برای زیرمقیاس‌های خصمانه و خیرخواهانه از طریق روش بازآزمایی به ترتیب $0/86$ و $0/89$ و از طریق آلفای کرونباخ $0/92$ و $0/95$ گزارش شده است. در هنجاریابی این پرسشنامه توسط سروقد (۱۳۹۲) در نمونه‌های ایرانی تعدادی از گویه‌ها به دلیل بار عاملی کم حذف شده‌اند و پرسشنامه به ۱۹ عبارت کاهش یافته است. سروقد نیز ضریب آلفای کرونباخ را در نمونه‌های ایرانی به ترتیب $0/72$ و $0/64$ و ضریب بازآزمایی را $0/70$ و $0/62$ گزارش کرده است. روایی پرسشنامه نیز مطلوب گزارش شده است.

ج) تست تداعی ضمنی (نگرش‌های جنسیت‌زده‌ی ناآشکار): تست تداعی ضمنی^۲ (ناآشکار) (گرینوالد، مکگی، و همکاران^۳، ۱۹۹۸) یکی از روش‌های غیرمستقیم سنجش در روان‌شناسی است که از آن برای اندازه‌گیری سازه‌های مختلف مثل هویت، نگرش، و پیش‌داوری استفاده می‌شود. منطق زیربنایی این آزمون در آن است که جفت‌های هدف-اسناد، در صورتی که یک تداعی خودکار نیرومند داشته باشند، سریع‌تر و دقیق‌تر طبقه‌بندی می‌شوند (نجات و حاتمی، ۱۳۹۱). نسخه‌ی جنسیت‌زدگی این آزمون از مجموعه‌ای از عکس‌ها و کلماتی تشکیل شده است که آزمودنی‌ها باید با سرعت هر چه بیشتر آنها را دسته‌بندی کنند. طراحان این آزمون پایایی تست تداعی ضمنی جنسیت‌زدگی خیرخواهانه را $0/66$ و جنسیت‌زدگی خصمانه را $0/86$ گزارش کرده‌اند. با توجه به اینکه تست‌های تداعی ضمنی در مقایسه با مقیاس‌های آشکار پایایی کمتری

1. ambivalent sexism inventory
2. implicit association test
3. Greenwald, McGhee, et al

دارند، بنابراین نتایج حاکی از پایایی معقول برای این سازه‌هاست (دی اولیویرا لاکس و دیگران، ۲۰۱۵). با توجه به اینکه بر اساس یافته‌های پژوهش بین سازه‌های آشکار و ناآشکار جنسیت‌زدگی خصمانه و خیرخواهانه همبستگی مثبت وجود دارد، بنابراین روایی همگرایی ابزار فعلی مطلوب است. ضریب آلفای کرونباخ نیز برای مقیاس جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ۰/۷۱ و برای جنسیت‌زدگی خصمانه ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار *SPSS-26* استفاده شد. جدول ۱ اطلاعات مرتبط با آماره‌های توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین داده) متغیرها و زیرمتغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین داده)

زیرمؤلفه‌های پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	چولگی	کشیدگی
جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار	۲۵/۹۶	۶/۴۴	۱۱	۴۰	۰/۰۱۲	-۰/۶۰۵
جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار	۲۶/۱۸	۶/۹۴	۱۰	۴۰	-۰/۰۱۸	-۰/۷۷۶
جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار	۱/۴۷	۵/۱۰	-۱۴/۴۷	۲۰/۷۲	-۰/۳۲۹	۱/۹۰۰
جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار	۱/۱۴	۶/۰۳	-۱۰/۸۶	۲۲/۳۹	۰/۸۲۸	۱/۵۰۹
زنانگی	۴/۵۲	۰/۹۴	۲/۵۰	۶/۶۰	-۰/۲۱۱	-۰/۴۶۳
مردانگی	۴/۷۴	۰/۶۹	۲/۸۵	۶/۳۰	-۰/۳۱۸	-۰/۱۶۷
سن	۱۵/۰۹	۱/۸۶	۱۲	۱۸	۰/۰۱۹	-۱/۱۴۹

ضریب همبستگی پیرسون برای زیرمؤلفه‌های مردانگی و زنانگی با جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار، جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار، جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار، و جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه بر اساس فرضیه‌ها

متغیرها	جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار	جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار	جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار	جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار	جنسیت‌زدگی زنانگی	مردانگی
جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار	۱					
جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار	-۰/۱۰	۱				
جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار	۰/۱۱	-۰/۰۴	۱			
جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار	-۰/۰۷	۰/۱۲	-۰/۰۳	۱		
زنانگی	۰/۲۰*	-۰/۲۷۵**	۰/۰۶	-۰/۳۳**	۱	
مردانگی	۰/۳۳۴**	۰/۰۸۴	-۰/۲۳۷**	۰/۰۰۳	-۰/۰۴	۱

*. همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

در ادامه، جهت استفاده از رگرسیون چندگانه، ابتدا پیش‌فرض‌های استفاده از تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند. پیش‌فرض‌های فاصله‌ای بودن متغیرهای اندازه‌گیری، پیش‌فرض نرمال بودن متغیرها توزیع، پیش‌فرض همخطی چندگانه، و پیش‌فرض استقلال خطاها همگی برآورده شده و امکان استفاده از تحلیل رگرسیون را فراهم می‌کردند. در جدول‌های ۳ و ۴ به ترتیب نتایج تحلیل رگرسیون نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه بر نگرش‌های جنسیت‌زده دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار نشان داده شده است.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون نقش جنسیتی زنانه بر جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار و

ضرایب بتای متغیرهای پیش‌بین

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تبیین (R^2)	ضریب تیبین خالص	اشتباه برآورد انحراف معیار	F	سطح معنی‌داری
۱	۰/۴۴۱	۰/۱۹۴	۰/۱۶۷	۰/۸۶۰۱۳	۷/۰۵۱	۰/۰۰۰
مدل ۱	ضریب‌های غیراستاندارد		ضریب‌های استاندارد		آزمون t	سطح معنی‌داری
	ضریب بتا	اشتباه استاندارد	ضریب بتا	استاندارد		
مقدار ثابت	۴/۷۸۰	۰/۴۶۱	۰/۴۶۱	۱۰/۳۶۳	۱۰/۳۶۳	۰/۰۰۰
جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۳	-۰/۲۹۴	-۰/۲۹۴	-۳/۵۱۴	۰/۰۰۱
جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار	-۰/۰۳۰	۰/۰۱۱	-۰/۲۲۳	-۰/۲۲۳	-۲/۶۵۰	۰/۰۰۹
جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار	۰/۰۲۳	۰/۰۱۲	۰/۱۵۸	۰/۱۵۸	۱/۸۸۰	۰/۰۶۳
جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار	۰/۰۰۶	۰/۰۱۵	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳	۰/۳۹۲	۰/۶۹۳

متغیرهای پیش‌بین: جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار، جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار، جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار، و جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار
متغیر وابسته: زنانگی

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهند که ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک مطالعه برابر با $R = ۰/۴۴۱$ و ضریب تبیین برابر با $R^2 = ۰/۱۹۴$ است. این ضریب از همبستگی با $F = ۷/۰۵۱$ در سطح $p < ۰/۰۱$ معنی‌دار است. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پیش‌بین تقریباً ۱۹/۵٪ از تغییرات متغیر ملاک را به شکلی معنادار پیش‌بینی می‌کنند. در پیش‌بینی نقش‌های جنسیتی زنانه بر اساس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار ملاحظه می‌شود که زیرمؤلفه‌های جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار با ضریب بتای ۰/۲۹ و جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار با ضریب بتای ۰/۲۲ می‌توانند نقش‌های جنسیتی زنانه را در سطح $p < ۰/۰۱$ پیش‌بینی کنند.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون نقش جنسیتی مردانه بر جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار و

ضرایب بتای متغیرهای پیش‌بین

سطح معنی‌داری	F	اَشْتَبَاه بَرَأورد انحراف معیار	ضریب تبیین خالص	ضریب تبیین (R ²)	ضریب همبستگی چندگانه (R)	مدل
۰/۰۰۰	۵/۹۳۹	۰/۶۴۳۶۶	۰/۱۴۰	۰/۱۶۹	۰/۴۱۱	۲
سطح معنی‌داری	آزمون f	ضریب‌های استاندارد	ضریب‌های غیراستاندارد			مدل ۲
		ضریب بتا	اَشْتَبَاه استاندارد	ضریب بتا		
۰/۰۰۰	۱۰/۰۷۹		۰/۳۴۵	۳/۴۷۷	مقدار ثابت	
۰/۸۳۰	۰/۲۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار	
۰/۱۴۸	۱/۴۵۵	۰/۱۲۴	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار	
۰/۰۰۰	۳/۸۱۴	۰/۳۲۵	۰/۰۰۹	۰/۰۳۵	جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار	
۰/۰۱۵	۲/۴۷۳	۰/۲۱۰	۰/۰۱۲	۰/۰۲۹	جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار	

متغیرهای پیش‌بین: جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار، جنسیت‌زدگی خصمانه آشکار، جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار، و جنسیت‌زدگی خصمانه ناآشکار
متغیر وابسته: مردانگی

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهند که ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک مطالعه برابر با $R = 0/411$ و ضریب تبیین برابر با $R^2 = 0/169$ است. این ضریب از همبستگی با $F = 5/939$ در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار است. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پیش‌بین تقریباً ۱۷٪ از تغییرات متغیر ملاک را به شکلی معنادار پیش‌بینی می‌کنند. در پیش‌بینی نقش‌های جنسیتی مردانه بر اساس جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه آشکار و ناآشکار ملاحظه می‌شود که زیرمؤلفه‌های جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار با ضریب بتای ۰/۳۲۵ و جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ناآشکار با ضریب بتای ۰/۲۱ می‌توانند نقش‌های جنسیتی مردانه را در سطح $p < 0/01$ پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نظریه جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱، ۲۰۱۱) دو نوع مختلف از جنسیت‌زدگی مکمل نسبت به زنان (جنسیت‌زدگی خصمانه و جنسیت‌زدگی خیرخواهانه)، ولی متمایز را با یکدیگر ترکیب می‌کند تا با پاداش دادن به زنانی که از نقش‌های جنسیتی سنتی پیروی می‌کنند (جنسیت‌زدگی خیرخواهانه) و تنبیه زنانی که از این نقش‌ها تخطی می‌کنند (جنسیت‌زدگی خصمانه) زبردست بودن زنان را تقویت و گسترش دهد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین این نوع از باورها با نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه بود. با توجه به اینکه نوجوانان در دوران ارزیابی و اتخاذ هویت‌های مختلف هستند، بنابراین باور داشتن و تأکید بر نگرش‌های جنسیت‌زده‌ای که از ابتدای زندگی و در نتیجه آموزش‌های خانواده و فرهنگ بزرگ‌تر فرامی‌گیرند می‌تواند تأثیر محدودکننده‌ای بر انتخاب مسیرهای پیش‌روی زندگی داشته باشد. این مسئله مخصوصاً در مورد دختران بیشتر صادق است، زیرا باور به چنین نگرش‌هایی می‌تواند آنها را از ورود به بسیاری از حوزه‌هایی که به طور سنتی مردانه تلقی می‌شود باز دارد (اسپنسر، رهمن، و همکاران، ۲۰۱۵؛ هالپرن، بنو، و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسمیت، اکرم-لودهی، و همکاران، ۲۰۱۳؛ گرینبرگ، اشمادر، و همکاران، ۲۰۲۱).

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های گلیک، ویلکرسون، و کافی (۲۰۱۵) همسو است. این پژوهشگران در پژوهش خود متوجه شدند جنسیت‌زدگی خیرخواهانه ارزیابی‌های مثبت‌تر از نقش‌های سنتی زنانه را پیش‌بینی می‌کند. این نویسندگان پیشنهاد می‌کنند تأکید بیشتر بر هویت‌های مردانه علاقه بیشتر بر نقش‌های سنتی‌تر مردانه و زنانه را به دنبال دارد. پذیرش جنسیت‌زدگی خیرخواهانه توسط افراد پیامدهایی به همراه دارد. برای مثال، مطالعات نشان داده‌اند پذیرش جنسیت‌زدگی خیرخواهانه توسط زنان با تأیید محدودیت‌های اعمال‌شده توسط شوهران شان (مویا، گلیک، و همکاران، ۲۰۰۷)، افزایش احساس وابستگی زنان به مردان در تکالیف مختلف (شنابل، بارانان و همکاران، ۲۰۱۶)، و کاهش علاقه زنان به تفکر مستقلانه و دنبال کردن اهداف (فدر، ۲۰۰۴) رابطه دارد. شکل‌گیری این نگرش‌ها در زنانی که جنسیت‌زدگی را به عنوان یک دیدگاه معتبر نسبت به خودشان می‌دانند باعث می‌شود که آنها به صورت ناخودآگاه خود را در محیط کار بی‌کفایت‌تر از مردان فرض کنند (دومانت، سارلت، و همکاران، ۲۰۱۰)، عملکرد شناختی‌شان کاهش پیدا کند (داردن، دومانت، و همکاران، ۲۰۰۷)؛ و افزایش دیدگاه اشیاءمانند نسبت خودشان می‌شود (کالگرو و جاست، ۲۰۱۱).

1. Moya, Glick et al
2. Shnabel, Bar-Anan et al
3. Feather
4. Dumont, Sarlet
5. Calogero & Jost

یافته‌های فرضیه اول و دوم نشان داد که هم نقش‌های جنسیتی مردانه و هم نقش‌های جنسیتی زنانه (هر چند به میزان کمتر) با جنسیت‌زدگی خیرخواهانه آشکار رابطه مثبت دارند. علت این مسئله می‌تواند به باورهای مذهبی و فضای سنتی حاکم بر جامعه ایران بازگردد. هماهنگ با این ادعا، تاشدمیر و ساکاللی‌اوغورلو (۲۰۰۹) در ارزیابی جنسیت‌زدگی دوسوگرایانه در فرهنگ ترکیه (که از لحاظ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فرهنگی شبیه ایران است، عطاری، گراهام، و همکاران، ۲۰۲۰) متوجه شدند که پذیرش باورهای مذهبی، هم در مردان و هم در زنان با جنسیت‌زدگی خیرخواهانه همبستگی دارد. بنابراین، در تفسیر این داده‌ها همواره باید این نکته را در نظر داشته باشیم که باورهای مذهبی و سنتی مختص جامعه ایران، مثل ارزش‌های غیرت، حیا، و عفت که ریشه در باورهای مذهبی و سنتی ایران دارند ممکن است در پذیرش باورهای جنسیت‌زده خیرخواهانه توسط افراد نقش داشته باشد.

سونامی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که نمونه‌های ایرانی در مقایسه با دو کشور دیگر در جنسیت‌زدگی خصمانه نمره‌های بالاتری به دست می‌آوردند و بین هنجارهای جنسیتی مردانه و جنسیت‌گرایی خصمانه همبستگی نسبتاً نیرومندی حاکم بود. با این وجود نتایج این مطالعه به همبستگی معناداری بین این دو متغیر دست نیافت. گلیک، ویلکرسون، و کافی (۲۰۱۵) اشاره می‌کنند که وجود باورهای جنسیت‌زده خصمانه در افراد ارزیابی‌های منفی‌تر از زنانی که با نقش‌های سنتی زنانه و مردانی که با نقش‌های سنتی مردانه هم‌رنگی نمی‌کنند را به دنبال دارد. نتایج این پژوهش نشان داد نوجوانانی که بر نقش‌های جنسیتی مردانه تأکید می‌کنند کمتر احتمال دارد که نگرش‌های جنسیت‌زده خصمانه داشته باشند. این مسئله ممکن است نشان‌دهنده دیدگاه‌های منعطف‌تر و پذیراتر نسل‌های جدید فرهنگ ایران نسبت به ساختارهای سنتی در نظر گرفته شده در مورد نقش‌های مناسب برای مردان و زنان باشد. فروتن (۱۳۹۸) در مطالعه کلیشه‌های جنسیتی و میزان پذیرش آنها در جمعیت ایرانی متوجه شد که در میان افراد، کسانی که سنین کمتری دارند بیشتر از بزرگسالان گرایش به عدم پذیرش کلیشه‌های جنسیتی دارند. همچنین، زنان کمتر از مردان، مجردان کمتر از متأهلان، و افراد برخوردار کمتر از افراد نابرخوردار گرایش به پذیرش کلیشه‌های جنسیتی دارند. کسانی که متمایل به تأیید و پذیرش نقش‌های جنسیتی زنانه (مثل مهربان بودن، یاری‌گر بودن، و احساسی بودن) هستند گرایش دارند که جنسیت‌زدگی خصمانه پایین‌تری داشته باشند. جنسیت‌زدگی خصمانه شامل باورهایی می‌شود که بر اساس آنها خصومت نسبت به زنان به شکلی آشکار و بارز اعلام می‌شود و در آنها زنان در واقع جنس دوم تلقی می‌شوند. به نظر منطقی می‌رسد که نوجوانانی که با نقش جنسیتی زنانه بیشتر همانندسازی می‌کنند، یعنی کسانی که خود را دارای ویژگی‌هایی می‌دانند که جامعه و فرهنگ آنها

معمولاً برای زنان مناسب در نظر می‌گیرند، با نگرش‌هایی که نسبت به زنان خصمانه برخورد می‌شوند بیشتر مخالفت کرده و مقاومت نشان دهند.

با توجه به اینکه نوجوانان دارای نقش‌های جنسیتی مردانه هم در ارزیابی‌های آشکار (فرضیه دوم) و هم در ارزیابی‌های ناآشکار (فرضیه پنجم) خیرخواهانه بودن را نشان می‌دهند می‌توان گفت در جامعه ایران نقش‌های جنسیتی مردانه به طور کلی با نگرش‌های جنسیت‌زده خیرخواهانه همراه است. یافته حاضر با نتایج به دست آمده در پژوهش دی‌اولیویرالاکس، کستوف، و همکاران (۲۰۱۵) هماهنگ است. این محققان در پژوهش خود متوجه شده بودند که نگرش‌های آشکار و ناآشکار جنسیت‌زده با یکدیگر رابطه دارند و می‌توانند یکدیگر را پیش‌بینی کنند. در اینجا به نقش فرهنگ غیرت در جامعه ایرانی می‌توان اشاره کرد. عطاری، گراهام، و همکاران (۲۰۲۰) متوجه شدند که در فرهنگ ایران غیرت اهمیت بالایی در قضاوت‌های اخلاقی افراد دارد. غیرت عبارت است از روشی که بیشتر متوجه «مردان» یک جامعه است و به لزوم حفاظت و پاسداری از خویشاوندان زن (مادر، خواهر، همسر، و سایر بستگان مونث) گفته می‌شود. دین و جامعه ایران غیرت را به عنوان یک فرهنگ پدیده‌ای ارزشمند تلقی می‌کنند و یافته‌های یعقوبی نشان می‌دهند که هر چقدر میزان دینداری در افراد بیشتر باشد، پذیرش تصورات قالبی جنسیتی نیز در آنها بیشتر خواهد بود. بنابراین، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که مفهوم غیرت و رفتارهایی که ناشی از این ارزش است می‌توانند با نگرش‌های جنسیت‌زده خیرخواهانه همبستگی مثبت داشته باشند، زیرا هر دو پدیده در تعریف خود اساساً نکات مشترک زیادی دارند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که نوجوانان ایران تا حدودی الگوی متفاوت‌تری از فرهنگ‌ها و کشورهای دیگران دارند. برای مثال، نگرش‌های خصمانه آشکار و ناآشکار رابطه‌ای با نقش‌های جنسیتی مردانه ندارند؛ و از طرف دیگر، یافته‌ها حاکی از سطوح بالای خیرخواهانه بودن در کسانی است که نقش‌های جنسیتی زنانه را اتخاذ می‌کردند. علت‌های محتمل این نتایج می‌تواند به ساختار مذهبی و سنتی، و به خصوص نگرش‌های مرتبط با فرهنگ غیرت در این کشور مرتبط بازگردد (مشاهده کنید، عطاری، گراهام، و همکاران، ۲۰۲۰). با بررسی آموزه‌های مذهبی دین اسلام، که دین رسمی کشور ایران است، می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از مؤلفه‌های جنسیت‌زدگی در کشورهای غربی، در فرهنگ‌های مسلمان الزاماً جنسیت‌زدگی محسوب نمی‌شوند. بنابراین، به نظر می‌رسد طراحی مقیاس‌ها و روش‌های اندازه‌گیری‌ای که مختص فرهنگ‌های مسلمان باشد و بتواند بین اینگونه نگرش‌ها و نگرش‌های جنسیت‌زده تمایز قائل شود مفید خواهد بود.

پژوهش حاضر خالی از محدودیت نبود. به دلیل در دسترس انتخاب شدن آزمودنی‌ها ممکن است نمونه موردنظر نماینده جامعه نباشد و بنابراین باید در تعمیم داده‌ها جوانب احتیاط را رعایت کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از نمونه‌های نسبتاً بزرگ‌تر استفاده شود. از آنجا که

این پژوهش در دوران همه‌گیری کرونا انجام شده است، در انتخاب آزمودنی‌ها از همه طبقه‌ها و سطوح مختلف جامعه محدودیت وجود داشت. با توجه به اینکه سطوح جنسیت‌زدگی خصمانه و خیرخواهانه ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی از قومیت‌های مختلف ایران (فارس، ترک، عرب، بلوچ، لر، و ...) استفاده شود. پژوهش صورت گرفته از نوع همبستگی بود، و بنابراین محدودیت‌های همیشگی روش‌های همبستگی را خواهد داشت. پیشنهاد می‌شود در مطالعات برای اینکه بتوان نتیجه‌گیری‌های علی حاصل کرد از طرح‌های آزمایشی و طولی برای ارزیابی جنسیت‌زدگی و جهت علی آن با متغیرهای مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت‌های امکانات در پژوهش، از روش نمره‌گذاری «سنّتی» تست تداعی ضمنی استفاده شده است. بنابراین در پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود از روش‌های جدیدتر، مثل «الگوریتم نمره‌گذاری بهبودیافته»^۱ (گرینولد، نوسک، و باناجی، ۲۰۰۳) استفاده شود. در پژوهش صورت گرفته، جنسیت و سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی کنترل و تعدیل نشده است. پژوهش‌های گذشته نشان داده است که زنان بیشتر احتمال دارد شکل‌هایی از نگرش‌های جنسیت‌زده خیرخواهانه را بپذیرند و بر آنها تأکید کنند (گلیک، ۲۰۰۰). پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر نقش تعدیل‌گری جنسیت نیز بررسی شود.

منابع

- سروقد، س. (۱۳۹۲). بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه دوسوگرایی نگرش نسبت به جنس مخالف در بین دانشجویان منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی. ۱۱(۳)، ۲۷-۱۱.
- نجات، پ؛ حاتمی، ج. (۱۳۹۱). بررسی آزمون تداعی ضمنی (IAT): مقایسه بین سازه‌ای و راهبردهای پاسخدهی آزمودنی‌ها. تازه‌های علوم شناختی. ۱۴(۱)، ۷۵-۸۷.
- Aronson, E., Wilson, T. D., & Akert, R. M. (1994). *Social psychology: The heart and the mind*. HarperCollins College Publishers.
- Atari, M., Graham, J., & Dehghani, M. (2020). *Foundations of morality in Iran. Evolution and Human Behavior, 41(5), 367-384*.
- Berk, L. E. (2014). *Development through the lifespan*.
- Berman, S. L. (2019). *Identity distress. The Encyclopedia of Child and Adolescent Development, 1-11*.
- Brown, C. S. (2017). *Discrimination in childhood and adolescence: A developmental intergroup approach*. Psychology Press.

- Burt, K. B., & Scott, J. (2002). *Parent and adolescent gender role attitudes in 1990s Great Britain*. *Sex roles*, 46(7-8), 239-245.
- Calogero, R. M., & Jost, J. T. (2011). *Self-subjugation among women: Exposure to sexist ideology, self-objectification, and the protective function of the need to avoid closure*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 211-228. doi:10.1037/a0021864
- Carpenter, S. (2008). *Buried prejudice*. *Scientific American Mind*, 19(2), 32-39.
- Centre for Social Development, Humanitarian Affairs (United Nations), UNICEF., United Nations Development Fund for Women, United Nations. Statistical Division, United Nations. Office for Project Services, ... & Inter-parliamentary Union. (2010). *The World's Women...: Trends and Statistics*. UN.
- Chodorow, N. (1974). *Family structure and feminine personality*. *Women, culture and society*, 43-66.
- Dardenne, B., Dumont, M., & Bollier, T. (2007). *Insidious dangers of benevolent sexism: Consequences for women's performance*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93, 764-779. doi:10.1037/0022-3514.93.5.764
- Davis, S. N., & Greenstein, T. N. (2009). *Gender ideology: Components, predictors, and consequences*. *Annual review of Sociology*, 35, 87-105.
- de Oliveira Laux, S. H., Ksenofontov, I., & Becker, J. C. (2015). *Explicit but not implicit sexist beliefs predict benevolent and hostile sexist behavior*. *European Journal of Social Psychology*, 45(6), 702-715 .
- Dumont, M., Sarlet, M., & Dardenne, B. (2010). *Be too kind to a woman, she'll feel incompetent: Benevolent sexism shifts selfconstrual and autobiographical memories toward incompetence*. *Sex Roles*, 62, 545-553.
- Feather, N. T. (2004). *Value correlates of ambivalent attitudes toward gender relations*. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 3-12.
- Garaigordobil, M., & Aliri, J. (2012). *Parental socialization styles, parents' educational level, and sexist attitudes in adolescence*. *The Spanish Journal of Psychology*, 15(2), 592-603.
- García-Sánchez, R., Almendros, C., Aramayona, B., Martín, M. J., Soria-Oliver, M., López, J. S., & Martínez, J. M. (2019). *Are sexist attitudes and gender stereotypes linked? A critical feminist approach with a Spanish sample*. *Frontiers in psychology*, 2410.
- Glick, P., & Fiske, S. T. (1996). *The ambivalent sexism inventory: Differentiating hostile and benevolent sexism*. *Journal of personality and social psychology*, 70(3), 491.
- Glick, P., & Fiske, S. T. (1997). *Hostile and benevolent sexism: Measuring ambivalent sexist attitudes toward women*. *Psychology of women quarterly*, 21(1), 119-135.

- Glick, P., & Fiske, S. T. (2001). *Ambivalent sexism. In Advances in experimental social psychology (Vol. 33, pp. 115-188). Academic Press.*
- Glick, P., & Fiske, S. T. (2001). *Ambivalent sexism. In Advances in experimental social psychology (Vol. 33, pp. 115-188). Academic Press.*
- Glick, P., & Fiske, S. T. (2011). *Ambivalent sexism revisited. Psychology of women quarterly, 35(3), 530-535.*
- Glick, P., & Fiske, S. T. (2011). *Ambivalent sexism revisited. Psychology of women quarterly, 35(3), 530-535.*
- Glick, P., Wilkerson, M., & Cuffe, M. (2015). *Masculine identity, ambivalent sexism, and attitudes toward gender subtypes. Social Psychology.*
- Greenberg, J., Schmader, T., Arndt, J., & Landau, M. (2015). *Social psychology: The science of everyday life. Macmillan Higher Education.*
- Greenberg, J., Schmader, T., Arndt, J., & Landau, M. (2021). *Social psychology: The science of everyday life. 3rd edition. Macmillan Higher Education.*
- Greenwald, A. G., McGhee, D. E., & Schwartz, J. L. (1998). *Measuring individual differences in implicit cognition: the implicit association test. Journal of personality and social psychology, 74(6), 1464.*
- Halpern, D. F., Benbow, C. P., Geary, D. C., Gur, R. C., Hyde, J. S., & Gernsbacher, M. A. (2007). *The science of sex differences in science and mathematics. Psychological science in the public interest, 8(1), 1-51.*
- Kite, M. E., & Whitley Jr, B. E. (2016). *Psychology of prejudice and discrimination. Psychology Press.*
- McDonald, P. (2013). *Societal foundations for explaining low fertility: Gender equity. Demographic research, 28, 981-994 .*
- Moya, M., Glick, P., Expósito, F., de Lemus, S., & Hart, J. (2007). *It's for your own good: Benevolent sexism and women's reactions to protectively justified restrictions. Personality and Social Psychology Bulletin, 33, 1421-1434.*
- Myers, D. G., & Twenge, J. M. (2017). *Social psychology.*
- Nosek, B. A. (2007). *Implicit–explicit relations. Current Directions in Psychological Science, 16(2), 65-69.*
- Pauletti, R. E., Menon, M., Cooper, P. J., Aults, C. D., & Perry, D. G. (2017). *Psychological androgyny and children's mental health: A new look with new measures. Sex Roles, 76(11), 705-718 .*
- Priess, H. A., Lindberg, S. M., & Hyde, J. S. (2009). *Adolescent gender-role identity and mental health: Gender intensification revisited. Child development, 80(5), 1531-1544.*

- *Shnabel, N., Bar-Anan, Y., Kende, A., Bareket, O., & Lazar, Y. (2016). Help to perpetuate traditional gender roles: Benevolent sexism increases engagement in dependency-oriented crossgender helping. Journal of Personality and Social Psychology, 110, 55-75.*
- *Smith, M., Akram-Lodhi, A. H., & Bettio, F. (2013). Do we have a case for gender equality? Gender and the European labour market, 13-35.*
- *Spencer, R. A., Rehman, L., & Kirk, S. F. (2015). Understanding gender norms, nutrition, and physical activity in adolescent girls: a scoping review. International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity, 12(1), 6 .*
- *Sunami, N., Roth, Z. C., Kopatich, R., Bradshaw, H., Hosseini, Z., & Kelly, K. (2014). A Cross-Cultural Examination of Gender Norms and Sexism. Midwestern Psychological Association 86th Annual Meeting. Chicagi, IL.*
- *Taşdemir, N., & Sakallı-Uğurlu, N. (2009). The Relationships between Ambivalent Sexism and Religiosity among Turkish University Students. Sex Roles, 62(7-8), 420-426.*
- *Thomas, S., & Robinson, M. (1981). Development of a measure of androgyny for young adolescents. The Journal of Early Adolescence, 1(2), 195-209.*
- *Yaghoob, F. (2020). Gender Stereotypes in Iran based on the Socio-Demographic Approach. Journal of Applied Sociology, 31(3), 97-120.*
- *Yang, J. (2016). The impact of power status on gender stereotypes, sexism, and gender discrimination toward women in the workplace and the career identity development of women.*